

نقشه راه یا برنامه ریزی استراتژیک

اهمیت نقشه راه با برنامه‌ریزی و راهبردی بر کسی پوشیده نیست. برنامه استراتژیک آن است که در مدت تقریباً قابل قبولی برنامه و سیاست‌های سازمان، موسسه و نهاد را مشخص می‌کند و بر این اساس معین می‌کند که برای رسیدن به مقصود از چه ابزارها و وسائلی باید استفاده شود. این برنامه با برنامه‌های مقطعی و کوتاه مدت که در نازل‌ترین شکل آن به روزمرگی می‌انجامد کاملاً متفاوت است. استراتژی به معنای راهبری، کوششی سازمان یافته برای اخذ تصمیم‌های اساسی است که موجودیت سازمان، نوع فعالیت‌ها و موضع آن را در برابر تصمیم‌گیری‌ها مشخص می‌کند و بستری را فراهم می‌سازد تا هم تهدیدها را برطرف کند و هم از فرصت‌ها حداکثر استفاده را بنماید. در این رابطه کوشش‌های فراوانی صورت گرفته است که از جمله مدل برایسون نمونه‌ای از آن است. بر اساس مدل برایسون، (توافق اولیه، تعیین، وظایف، تحلیل ذینفعان، تنظیم بیانیه، شناخت محیط سازمان، تعیین موضوعات، تعیین استراتژی‌ها، شرح طرح‌ها و اقدامات، تنظیم دورنمای سازمان برای آینده و برنامه عملیاتی سالانه)، سازمان باید به محیط داخلی و خارجی توجه کند، سناریوهای مختلف را در مدنظر داشته باشد، به فعالیت مستمر و خروجی‌ها و کیفیت آن بنگرد. اگر چه این مدل و انواع آن مربوط به سازمان است؛ اما در برنامه‌های آموزشی هم می‌تواند مورد توجه قرار بگیرد زیرا که برنامه‌های آموزشی هم توسط سازمان‌های زیربیط با اهداف استراتژیک خاص تنظیم می‌شود.

کتابداری و اطلاع‌رسانی که عمری بیش از چهل و چند سال در این کشور دارد اگر به تاریخ خود بنگرد ملاحظه خواهد کرد که در عین توجه به نیازهای کشور از نظر کمی، به لحاظ کیفی تقریباً حالتی یک نواخت را طی کرده و تغییرات قابل ملاحظه‌ای از این منظر در آن صورت نگرفته است و تغییرات انجام

شده عمدتاً بیش از آنکه از درون صورت گیرد موضوعی بوده است که از بالا، یعنی وزارت متبوع تحت عنوان لزوم بازنگری برنامه‌های آموزشی ابلاغ شده است و گروه‌ها به ناگزیر در اجرای مصوبات مقامات مافوق، به تغییرات دست زده‌اند. از این رو ملاحظه می‌شود که بحث فایده رشته کتابداری، ضرورت وجود آن در گذشته با شدت و ضعف و نشیب و فراز روبرو بوده است. بعضی که دستی از دور بر آتش داشته‌اند و حضور فناوری‌های نوین را در این حوزه دیده‌اند بر اهمیت این رشته تاکید کرده‌اند و آن را به معنای پررنگ‌تر شدن حوزه کتابداری و اطلاع رسانی دانسته‌اند. بعضی دیگر که از درون مطلع بوده و شیفته فناوری شده‌اند به ضرورت وجود آن را در برابر اطلاع رسانی‌های پیشرفته تردید کرده‌اند و اهمیت آن را به نفع محیط دیجیتال زیر سوال برده‌اند. از این رو داشتن برنامه استراتژیک برای این حوزه با این قدمت که نسبت به بسیاری از پرسابقه‌ترین رشته‌ها مخصوصاً در علوم اجتماعی و انسانی است به شدت ضروری است.

نکته اساسی در این جا این است که اولاً لازم است تعریف حوزه کتابداری و اطلاع رسانی هم به معنای خاص آن و هم به معنای جامع و فراگیر آن مشخص، تقویت و مورد اجماع قرار گیرد. ثانیاً محدود انگاشتن حوزه و تقلیل آن به حرفه و گذاشته شود. تعریف از جمله مسائل مهمی است که تا اتفاقی بر روی آن صورت نگیرد و کتابداری را نه به عنوان حرفه صرف بلکه به عنوان حوزه آموزشی علمی و پژوهشی که از تبعات آن وجود حرفه و رفع نیازهای جامعه است کاری از پیش نخواهد رفت. موضوع محدوده و دامنه حوزه کتابداری و اطلاع رسانی و داشتن برنامه کلان، به عنوان نقشه راه از مسائل بسیار پراهمیتی است که در تقویت و هدایت این حوزه بسیار موثر است. محدوده را کوچک دانستن چیزی جز انفعال نیست و چنانچه متولیان هر رشته موضوعی به اندک اکتفا کنند چاره‌ای جز دریافت اعتراض‌ها و به اصطلاح خانه نشین شدن ثمره‌ای نخواهد داشت. به بیان دیگر، اگر شما به حداقل اکتفا کنید، قطعاً این حداقل

توسط دنیای پر رقابت از شما گرفته خواهد شد و چنانچه افق دید را وسیع کنید و حوزه‌های مرتبط را دریابید و ارتباط آن را با رشته و حوزه مشخص کنید و داعیه دار اداره آن باشید قطعاً این حملات نه تنها کم خواهد شد بلکه رقیبان را به موضع دفاعی خواهد انداخت. گسترش حوزه‌های علمی، ضمن توجه به تخصص‌ها، در عین حال تعریف حوزه‌ها را نیز لغزنده و شناور می‌کند و این شناوری گاه به اضمحلال رشته می‌انجامد. بحث میان رشته‌ای و عدم درک درست از آن نیز این امر را تایید می‌کند. میان رشته‌ای به معنای تعامل و تداخل و یا ترابط رشته‌ها با یکدیگر است اما باید به جد این مسئله را در نظر گرفت که اصل و هویت آن باید امری قطعی و مسلم باشد تا بتوان در صحنه پر رقابت با سایر حوزه‌ها و رشته‌ها به تعامل پرداخت. نقشه راه و برنامه استراتژیک از این منظر اهمیت دارد که جامعیت و مانعیت حوزه و رسیدن به اهداف بلند مدت را تعریف می‌کند و مدیران اجرایی و علمی برای رسیدن به آن از ابزارهای مختلف با توجه به شرایط زمان و مکان استفاده می‌کنند تا در مقاطع زمانی گوناگون بر طبق برنامه به آن اهداف برسند.

از این رو نقشه راه به لحاظ‌های گوناگون می‌تواند مطرح باشد گاه صرفاً برنامه راه به لحاظ بازار کار و تولید برای رفع مشکل اشتغال مطرح است که به نظر می‌رسد ضمن اذعان به اهمیت آن تاکنون اهداف عمده برنامه استراتژیک این حوزه متوجه این امر بوده است. توجه صرف به بازار کار کمترین توانایی را برای تصدی حداقلی وظیفه به همراه داشته است و با توجه به محدودیت‌های تحمیل شده از طرف وزارت علوم در قالب تعداد معدودی واحد درسی برای دوره‌های گوناگون ناگزیر مجریان نیز به تربیت نیروی حداقلی از نظر کیفی توجه داشته‌اند. از نظر دیگر، برنامه استراتژیک باید در مورد تربیت نیروی انسانی توانمند برای تصدی مشاغل علمی در دانشگاه‌ها و موسسات علمی تصمیم گیرد که به نظر نمی‌رسد تاکنون در این حوزه کاری صورت گرفته شده باشد. نیروی انسانی ماهر و توانا برای برآوردن نیازها از اساسی‌ترین مسائلی است که البته با مورد اول بی

رابطه نیست. یعنی وقتی دامنه فعالیت محدود و منحصر به تربیت نیروی حداقلی برای مشاغل حداقل باشد تربیت نیرو نیز تابع آن خواهد بود.

از منظر سوم برنامه راهبردی باید در حوزه تدوین کتاب‌های درسی باشد و با توجه به تعریف و دامنه کار باید کتاب‌های مورد توجه هر چه بیشتر تالیف و ترجمه شود و کتاب‌های موجود مورد نقد قرار گیرد و ویرایش‌های جدید انتشار یابد، که به نظر نمی‌رسد تاکنون چنین کاری صورت گرفته باشد و سازمان و یا موسسه‌ای در این رشته به چنین امری اقدام کرده باشد و یا حتی بحث آن مطرح شده باشد. هراز گاهی بر حسب سلیقه و علاقه شخصی، استادی کتابی را تدوین و یا ترجمه می‌کند و سازمان‌های ناشر و از جمله سمت آن را منتشر می‌کنند ولی هیچ جایی از ضرورت‌ها و یا بازنگری‌ها و نقدها گفتگو نمی‌شود. نمونه آن اینکه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی مدت‌هاست که در بازنگری کتابهای علوم انسانی و اجتماعی فعالیت می‌کند ولی از حوزه کتابداری و اطلاع رسانی خبری نیست.

از منظر دیگر نقشه راه باید معطوف به دامنه و حوزه کار و تعاملی باشد که این حوزه کار می‌تواند با سایر رشته‌ها داشته باشد. رشته‌هایی چون آرشیو (یادمانه‌ها)، نسخه خطی، دانشنامه نگاری، فناوری اطلاعات و بسیاری از رشته‌های دیگر مرتبط با حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی است. اخیراً کمیته برنامه‌ریزی کتابداری و اطلاع رسانی در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به این موضوع توجه کرده است و رشته‌هایی مانند آرشیو، نسخ خطی، دانشنامه نگاری، کتابداری و اطلاع رسانی با چهار گرایش و علم سنجی را تصویب کرده است و یا در شرف تصویب است. اما این نه براساس وجود برنامه راهبردی از قبل است بلکه بیشتر براساس درخواست‌های رسیده بوده است که در عین مفید بودن کافی نیست و باید در این زمینه به دقت مسئله مورد توجه قرار گیرد نمونه اخیری که در بریده جراید ملاحظه کردم تصویب دوره کارشناسی ارشد پردازش و ویرایش اصطلاحات بود که محتوی آن عمدتاً همانی است که در برنامه دانشنامه نگاری

تصویب شده است و ظاهراً کمیته‌ها بی‌خبر از یکدیگر به چنین اقداماتی دست می‌زنند.

اخلاق علمی و سیاست اطلاعاتی از جمله مسائل راهبردی است که در این حوزه باید مورد توجه قرار گیرد و برنامه‌ریزی مشخص داشته باشد تا دیگران هم از آن استفاده کنند. حوزه کارآفرینی مقوله دیگری است که برای آن کاری انجام نشده است.

بنظر می‌رسد برنامه استراتژیک و یا نقشه راه توجه به همه موارد بالا و شاید موارد دیگری که از قلم افتاده است باشد. نگاه کلی و فراگیر می‌تواند بسیاری از مسائل را حل کند مشروط بر آنکه برنامه‌ریزان و صاحب‌نظران حوزه با اتفاق آراء و پرهیز از پراکنده کاری، افق‌های حوزه را ترسیم و بر آن اتفاق نظر کنند و برنامه‌ها را به صورتی تدوین کنند تا پوشش موضوعی کامل شود. پیشنهاد می‌شود از این پس با مدیریت کامل برنامه‌ریزان دانشگاهی و گروه‌های آموزشی، نگارش مقالات، تدوین پایان نامه‌ها و رساله‌ها، تالیف کتاب‌ها براساس حوزه‌های موضوعی باشد. از این پس در هر گروه و دانشکده‌ای از آغاز علائق دانشجویان و استادان براساس حوزه‌های موضوعی شکل گیرد و به تربیت استاد، تدوین رساله‌ها، نگارش کتب و مقالات و حتی مجلات موضوعی اهتمام شود. اهم حوزه‌های موضوعی پیشنهادی عبارتند از: اقتصاد اطلاعات و دانش، مدیریت اطلاعات و دانش، سازماندهی اطلاعات و دانش، امنیت اطلاعات و دانش، بهره‌وری اطلاعات و دانش، فناوری اطلاعات و دانش مسائل حقوقی اطلاعات و دانش، جنبه‌های فرهنگی و تاریخی اطلاعات و دانش.

دانشکده کتابداری و اطلاع‌رسانی با این هدف تشکیل شده است تا بتواند با پشتوانه علمی، اجرایی بخشی از این اهداف را برآورده کند و رشته‌های مرتبط با این حوزه را گرد هم آورد و از خدای بزرگ یاری می‌طلبد.